

پذیرش همسر و سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان: نقش تعدیل‌کننده پذیرش والدین

Acceptance of Spouse and Psychological Adjustment of Women: The Mediating Role of Parental Acceptance

Parisa Seyed Mousavi
PhD Candidate
Shahid Beheshti University

Ali Mazaheri, PhD
Shahid Beheshti University

دکتر علی مظاهری
دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

پریسا سیدموسوی
دانشجوی دکتری روان‌شناسی
دانشگاه شهید بهشتی

Saeed Ghanbari
Shahid Beheshti University

دکتر سعید قنبری
استادیار دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر شناخت نقش تعدیل‌کننده ادراک پذیرش والدینی در رابطه با پذیرش همسر و پیامدهای روان‌شناختی آن بود. ۱۲۰ دانشجوی زن متأهل از دانشگاه‌های تهران انتخاب و پرسشنامه‌های پذیرش-طرد و کنترل شریک صمیمی (روهنر و خالق، ۲۰۰۵)، پذیرش-طرد و کنترل والدینی (نسخه مادر و پدر؛ روهنر و خالق، ۲۰۰۵) و ارزیابی شخصیت (روهنر و خالق، ۲۰۰۵) را تکمیل کردند. نتایج پژوهش نشان دادند که پذیرش-طرد و کنترل مادر، پدر و همسر هرکدام به شکل مستقل سازش‌یافتگی روان‌شناختی را به طور معنادار پیش‌بینی می‌کنند، اما صرفاً پذیرش-طرد پدر و همسر و کنترل پدر پس از کنترل متغیرهای دیگر قادر به پیش‌بینی معنادار سازش‌یافتگی روان‌شناختی در زنان بودند. همچنین، کنترل مادر و همسر بیش از پذیرش و طرد از سوی آنها قادر به پیش‌بینی معنادار سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان نبود. به طور کلی، یافته‌ها حاکی از آن بودند که هرچند نقش والدین در سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان معنادار است اما پذیرش همسر می‌تواند تأثیر نقش آنها، به ویژه مادر را تعدیل کند. بنابراین، تجربه‌های آتی فرد می‌تواند تأثیر ادراک پذیرش و طرد والدینی را تغییر دهند.

واژه‌های کلیدی: پذیرش همسر، پذیرش والدین، سازش‌یافتگی روان‌شناختی

Abstract

The mediating role of perceived parental acceptance as related to spousal acceptance and its psychological outcomes was investigated. 120 married female students selected from Tehran universities completed the Intimate Partner Acceptance-Rejection & Control (Rohner & Khaleque, 2005), Parental Acceptance-Rejection and Control (Mother and Father version; Rohner & Khaleque, 2005) and Personality Assessment Questionnaire (Rohner & Khaleque, 2005). Results revealed that paternal, maternal and acceptance-rejection and behavioral control each independently and significantly predict psychological adjustment, however, only paternal and spouse acceptance, and behavioral control of father significantly predicted psychological adjustment after the effect of other variables in women were controlled. Also, the behavioral control of mother and spouse was no more significantly predictive of psychological adjustment of women than their acceptance and rejection. The results posit that although the parental role in psychological adjustment of women is significant but spouse acceptance could moderate its effects, especially the mother's role. Therefore, future experiences could alter the effects of perceived parental acceptance-rejection.

Keywords: spouse acceptance, parental acceptance, psychological adjustment

received: 6 October 2011

accepted: 28 April 2012

دریافت: ۹۰/۷/۱۵

پذیرش: ۹۱/۲/۹

Contact information: p_mousavi@sbu.ac.ir

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که در قطب علمی خانواده دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است.

مقدمه

اجتماعی شدن و تحول در طول زندگی است و هدف آن پیش‌بینی و تبیین علل، پیامدها و دیگر همبسته‌های عمده پذیرش-طردها در روابط بین فردی در تمام دنیاست. در این نظریه، پذیرش و طرد بین فردی دو قطب پیوستار بُعد گرمی^{۱۳} را تشکیل می‌دهند که در یک سوی آن پذیرش و در سوی دیگر آن طرد قرار می‌گیرد. بُعد گرمی به کیفیت پیوند عاطفی بین افراد و رفتارهای بدنی، کلامی و نمادین افراد برای ابراز احساسات اشاره دارد. قطب پذیرش با محبت، عشق، مراقبت، آسایش، حمایت و دیگر تظاهرات مثبت و قطب طرد با فقدان یا کمبود معنادار این احساسات و رفتارها و با حضور گستره‌ای از رفتارها و عواطف آسیب‌زای جسمانی و روان‌شناختی مشخص می‌شود. در قطب طرد چهار نوع رفتار را می‌توان مشاهده کرد: الف) سردی^{۱۴} و بی‌محبتی^{۱۵} که در مقابل گرمی و محبت است. سردی کلامی شامل عدم تشویق و تعریف، و سردی فیزیکی شامل عدم نوازش، در آغوش گرفتن و بوسیدن است. ب) رفتار خصمانه و پرخاشگرانه^{۱۶} نیز دربرگیرنده بُعد کلامی شامل دشنام، سرزنش، ریشخند و بیان حرف‌های تحقیرآمیز و تهدیدکننده، و بُعد فیزیکی، شامل هرگونه آسیب زدن جسمانی اعم از هل دادن، نیشگون گرفتن، کتک زدن و ... است. ج) بی‌تفاوتی و نادیده گرفتن^{۱۷} که دربرگیرنده عدم در دسترس بودن فیزیکی و روان‌شناختی و بی‌توجهی به نیازهای کودک است. د) طرد نامتمایز^{۱۸}، که مبین آن است که فرد فکر می‌کند والدینش اهمیت چندانی به او نمی‌دهند و دوستش ندارند، اما ممکن است نتواند رفتارهای خاص مانند رفتارهای پرخاشگرانه، نادیده گرفتن و بی‌محبتی والدین را به روشنی بیان کند. در ویرایش‌های جدید مقیاس‌های ارزیابی ابعاد پذیرش و طرد، بُعد جدیدی به‌عنوان بُعد کنترل اضافه شده است (روه‌نر و خالق، ۲۰۰۵) که پیوستاری از سخت‌گیری تا سهل‌انگاری را شامل می‌شود.

در سال‌های اخیر نظریه پذیرش-طردها والدینی به روابط فراتر از والد-کودک گسترش یافته و روابط بین فردی با

با توجه به دیدگاه تکامل نژادی^۱، در نظریه پذیرش-طردها والدینی^۲ (روه‌نر، خالق و کورنور، ۲۰۰۷) فرض بر آن است که انسان‌ها صرف نظر از تفاوت‌های فرهنگی، نژادی، جنسی، بافت جغرافیایی و ...، به ادراک پذیرش و طرد والدینی به شیوه خاصی پاسخ می‌دهند (روه‌نر، ۲۰۰۴؛ خالق و کورنور، ۲۰۰۵). این نظریه به عنوان نظریه‌های فرعی شخصیت^۳ پیش‌بینی می‌کند که طرد والدینی در کودکی موجب گرایش فرزندان به مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی می‌شود که سازش‌نیافتگی روان‌شناختی آنها را در پی دارد (روه‌نر و خالق، ۲۰۰۸). این نظریه عنوان می‌کند که ادراک طرد از سوی افراد معنادار به ویژه چهره‌های دلبستگی^۴ - می‌تواند منجر به اضطراب و حس ناایمنی شود. افزون بر این، انتظار می‌رود که ادراک طرد موجب شکل‌گیری هفت ویژگی شخصیتی شود: ۱) خشم، پرخاشگری، پرخاشگری فعل‌پذیر^۵، یا مشکل در مدیریت رفتار خصمانه و خشم، ۲) وابستگی^۶ یا استقلال دفاعی^۷، وابستگی به فراوانی، زمان، شدت و شکل طرد، ۳) حرمت‌خود آسیب‌دیده^۸، ۴) خودکارآمدی آسیب‌دیده^۹، ۵) عدم‌پاسخدهی هیجانی^{۱۰}، ۶) بی‌ثباتی هیجانی^{۱۱} و ۷) دیدگاه منفی نسبت به دنیا^{۱۲} (روه‌نر، ۲۰۰۴؛ روه‌نر و دیگران، ۲۰۰۷). به نظر می‌رسد برخی از این ویژگی‌ها مانند دیدگاه منفی فرد نسبت به دنیا و حرمت‌خود منفی - تظاهراتی از اسنادهایی هستند که با تجارب مربوط به طرد والدین مرتبط می‌شوند. این اسنادها اشاره به بازنمایی‌های ذهنی تحریف‌شده‌ای دارند که به نظر می‌رسد پیامد تجربه طرد والدینی هستند (روه‌نر و خالق، ۲۰۰۸). برای مثال بررسی‌ها نشان داده‌اند که الگوهای ارتباطی مناسب، مانند گفت و شنود و همنوایی بین والدین و فرزندان، با سطوح بالای حرمت‌خود در بزرگسالی رابطه مثبت دارد (سپهری و مظاهری، ۱۳۸۸).

نظریه پذیرش-طردها والدینی (روه‌نر، ۱۹۸۶؛ روه‌نر و دیگران، ۲۰۰۷؛ روه‌نر، ۲۰۰۸) یک نظریه تجربی درباره

1. phylogenic perspective	7. defensive independence	13. warmth dimension
2. parental acceptance-rejection theory	8. impaired-self esteem	14. cold
3. personality subtheory	9. impaired-self efficacy	15. unaffectionate
4. attachment figures	10. emotional unresponsiveness	16. hostile and aggressive behaviors
5. passive aggression	11. emotional instability	17. indifferent and neglect
6. dependence	12. negative world view	18. undifferentiated rejection

پاسخ داده شود: الف) پذیرش و طرد شریک صمیمی در بزرگسالی در مقایسه با طرد و پذیرش والدین، تا چه حدی بر سازش‌یافتگی روان‌شناختی افراد تأثیر می‌گذارد؟ ب) یادآوری طرد و پذیرش مادر و پدر در کودکی تا چه حدی بر رابطه بین طرد و پذیرش شریک صمیمی و سازش‌یافتگی روان‌شناختی در بزرگسالی تأثیر می‌گذارد و یا آن را تعدیل می‌کند؟ ج) آیا عوامل فرهنگی، قومی، جنس والدین، جنس فرزندان یا دیگر عوامل بافتی بر ارتباط این متغیرها تأثیر می‌گذارند؟ در این بررسی‌ها که در فرهنگ‌هایی مانند ژاپن، کره، فنلاند، پورتوریکو، کویت، امریکا و هند انجام شده، نتایج تا حد زیادی در تأیید این نظریه‌اند. یافته‌های فراتحلیلی که روهنر و خالق (۲۰۱۰) در مورد ۱۷ مطالعه در ۱۰ فرهنگ مختلف انجام دادند، مشخص کردند که در تمام فرهنگ‌ها، پذیرش همسر و والدین، هم در زنان و هم مردان، با سازش‌یافتگی روان‌شناختی رابطه دارد، اما الگوی این روابط در برخی از فرهنگ‌ها متفاوت است. برای مثال، سازش‌یافتگی روان‌شناختی مردان فنلاندی با احساسات فرد درباره پذیرش شریک خود رابطه معنادار نداشت، در حالی که این رابطه در زنان معنادار بود. همچنین، سازش‌یافتگی روان‌شناختی مردان کلمبیایی با خاطرات آنها از پذیرش پدر رابطه معنادار نداشت. در نهایت، سازش‌یافتگی روان‌شناختی مردان ژاپنی با پذیرش شریک و پدر رابطه معنادار نداشت اما با پذیرش مادر رابطه معنادار داشت. از سوی دیگر، سازش‌یافتگی زنان ژاپنی هم با پذیرش شریک صمیمی و هم پدر رابطه معنادار داشت اما با پذیرش مادر رابطه معنادار نداشت (روهنر، ۲۰۰۸).

به نظر می‌رسد ساختار خانواده‌های ایرانی با کشورهای دیگر متفاوت است. نقش پدر، مادر و فرزندان در هر فرهنگی می‌تواند با فرهنگ‌های دیگر تفاوت داشته باشد. از سوی دیگر، با توجه به صنعتی شدن شهرها و تغییرات فرهنگی ناشی از صنعتی شدن و آشنایی بیشتر فرهنگ‌های دیگر با فرهنگ غربی، در سال‌های اخیر در فرهنگ‌های مختلف مانند ژاپن (شوالب، ناکازاوا، یاماماتوو هیون، ۲۰۰۴) تغییراتی در این ساختار صورت گرفته است. برای مثال، شوالب و دیگران (۲۰۰۴) نشان دادند که با مدرن شدن شهرها بسیاری از زن‌ها

دیگران را نیز دربرگرفته است. روهنر (۲۰۰۸) معتقد است که طرد توسط چهره دل بستگی در هر نقطه از زندگی حتی در بزرگسالی، می‌تواند آثار مشابهی، هرچند کوتاه‌مدت، همچون آثار طرد توسط والدین در کودکی برجای گذارد. این فرضیه برگرفته از انگاره اصلی این نظریه است که بیان می‌کند در طول دوره تکامل، انسان‌ها به طور زیست‌شناختی بر مبنای نیاز عاطفی برای دریافت پاسخ مثبت از والدین و دیگر چهره‌های دل بستگی، تحول یافته‌اند. بر اساس این نظریه، وقتی این نیاز ارضا نشود، می‌تواند بر شخصیت و سازش‌یافتگی روان‌شناختی افراد اثر منفی داشته باشد.

این ویژگی‌ها تا حدی تحت تأثیر سبک‌های والدینی مرتبط با عشق (مانند پذیرش و طرد) در شکل‌گیری بازنمایی‌های ذهنی^۱ فرزندان درباره خود و جهان پیرامون آنها، تحول می‌یابند. از سوی دیگر، این بازنمایی‌ها می‌توانند به روابط صمیمی شخص با دیگران، تعمیم یافته و بر ارزیابی‌ها و رفتارهای وی در این روابط تأثیر گذارند (روهنر و خالق، ۲۰۰۸).

بسیاری از پژوهشگران بر اهمیت تجارب دل بستگی دوران کودکی به عنوان یک عامل کلیدی در روابط صمیمانه دوران بزرگسالی تأکید کرده‌اند (کسیدی، ۲۰۰۰؛ فرالی و شاور، ۲۰۰۰؛ روهنر، سیمپسون، ترن، مارتین و فرایدمن، ۲۰۰۷)، اما تعداد کمی از آنها اثر تعدیل‌کننده احتمالی تجارب کودکی را بر روابط بعدی به طور تجربی بررسی کرده‌اند (روهنر و خالق، ۲۰۰۸). نتایج پژوهش‌های صورت‌گرفته در ایالات متحده از مفاهیم این نظریه در خصوص رابطه والد-کودک حمایت می‌کنند (روهنر، ۲۰۰۸) اما بررسی این مقوله‌ها در رابطه با شریک صمیمی و نزدیک زندگی بزرگسالان اخیراً آغاز شده است. همچنین، نتایج برخی از بررسی‌ها نشان داده‌اند که تأثیر مادر و پدر بر دختران و پسران می‌تواند متفاوت باشد. برای مثال خالق (۲۰۰۱) نشان داد که پذیرش شریک زندگی و یادآوری پذیرش پدر، در مقایسه با پذیرش مادر، تأثیر بیشتری بر سازش‌یافتگی دختران دارد. به دلیل وجود نتایج متناقض و کاستی‌ها درباره تأثیر شریک صمیمی، پژوهش‌های گسترده‌ای برای بررسی پیامدهای پذیرش-طرد والدین و شریک زندگی در فرهنگ‌های مختلف انجام شده است تا به چند پرسش

مشغول به کار در خارج از خانه شده‌اند و بسیاری از پدران همکاری در فعالیت‌های خانه‌داری و نگهداری از فرزندان را آغاز کرده‌اند. بدیهی است این تغییرات، ساختار خانواده را در فرهنگ‌های متفاوت از جمله ایران تحت تأثیر قرار داده است. با توجه به آغاز پژوهش‌های بین فرهنگی درباره این نظریه، هدف اصلی این پژوهش، شناخت فرض اصلی این نظریه در فرهنگ ایرانی و مقایسه آن با نتایج به دست آمده از فرهنگ‌های دیگر است. بنابراین، کوشش شده است با تعیین نقش ادراک فرد از پذیرش-طرد-کنترل همسر در سازش‌یافتگی روان‌شناختی وی مشخص شود که چگونه پذیرش والدینی می‌تواند رابطه بین پذیرش همسر و سازش‌یافتگی روان‌شناختی را تعدیل کند.

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش متشکل از کلیه دانشجویان زن متأهل مشغول به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بود. برای انتخاب گروه نمونه، با روش نمونه‌برداری در دسترس، ۱۲۰ دانشجوی زن متأهل مشغول به تحصیل از چهار دانشگاه (شهید بهشتی، تهران، تربیت مدرس و علامه طباطبایی) انتخاب شدند. دامنه سنی گروه نمونه ۱۸ تا ۳۲ سال (با میانگین ۲۲ سال) بود. در حدود ۷۰ درصد از آزمودنی‌ها (۸۴ نفر) در مقطع کارشناسی، ۱۸ درصد (۲۲ نفر) در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۲ درصد (۱۴ نفر) در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بودند. میانگین مدت ازدواج گروه نمونه ۲۹ ماه و میانگین فاصله سنی با همسر سه سال بود. ۹۰ درصد از آزمودنی‌ها (۱۰۸ نفر) فرزندی نداشتند. همچنین، بر اساس معیارهای این نظریه بررسی شد که همسر در نقش چهره دلبستگی معنادار برای فرد باشد. به این منظور از بخش اول پرسشنامه پذیرش، طرد و کنترل شریک صمیمی^۱ (روهنر و خالق، ۲۰۰۵)، برای ارزیابی نقش شریک صمیمی استفاده شد که چهره دلبستگی حقیقی را از افراد مهم دیگر متمایز می‌کند. این بخش با پنج ماده نشان می‌دهد که شریک زندگی فرد تا چه حد به عنوان چهره دلبستگی در زندگی فرد نقش دارد. در پژوهش حاضر تنها افرادی که دارای

این معیار بودند، به عنوان نمونه اصلی شرکت کردند. در این پژوهش از سه پرسشنامه برگرفته از نظریه پذیرش-طرد (روهنر و خالق، ۲۰۰۵ نقل از روهنر، ۲۰۰۵ الف) استفاده شد. نخست پرسشنامه‌ها به زبان فارسی ترجمه و پس از تأیید مقدماتی ترجمه‌ها توسط دو روان‌شناس و یک مترجم زبان انگلیسی، دوباره به زبان انگلیسی ترجمه شدند تا امکان مقایسه و تأیید نهایی ترجمه‌ها فراهم و روایی محتوای پرسشنامه تأیید شوند. همچنین همسانی درونی و اعتبار آزمون-بازآزمون پرسشنامه‌ها نیز در این پژوهش بررسی و تأیید شدند.

پرسشنامه پذیرش، طرد و کنترل والدینی^۲ (فرم

بزرگسالان برای پدر و مادر؛ روهنر و خالق، ۲۰۰۵ نقل از روهنر، ۲۰۰۵ ب): این پرسشنامه از نوع خودگزارش‌دهی است که به ارزیابی خاطرات فرد از ابعاد رفتاری پذیرش، طرد و کنترل پدر و مادر خویش می‌پردازد. پرسشنامه پذیرش، طرد و کنترل والدینی ۷۲ ماده دارد و دارای پنج زیرمقیاس است: (۱) صمیمیت/محبت مادرانه یا پدرانه، (۲) رفتار خصمانه/پرخاشگری مادرانه و پدرانه، (۳) بی‌تفاوتی/نادیده گرفتن پدر یا مادر، (۴) طرد تمایزنا یافته و (۵) کنترل رفتاری. این ماده‌ها بر مبنای مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای از یک (تقریباً هرگز) تا چهار (تقریباً همیشه) نمره‌گذاری می‌شوند. بررسی‌های روهنر (۲۰۰۸) نشان داده‌اند که این پرسشنامه از اعتبار و روایی مناسبی برخوردار است. همچنین، در آخرین پژوهش روهنر و خالق (۲۰۰۸) همسانی درونی پرسشنامه برای مادران برابر با ۰/۷۶ و برای پدران ۰/۷۴ گزارش شده است. برای تأیید روایی پرسشنامه نیز از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد که سه عامل پذیرش، طرد و کنترل به دست آمد. در این پژوهش نیز ضرایب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های پذیرش پدران و مادران ۰/۹۵ و ۰/۹۴، مقیاس طرد پدران و مادران ۰/۹۷ و ۰/۹۶ و مقیاس کنترل پدران و مادران ۰/۸۷ و ۰/۸۸، به دست آمد. همچنین، اعتبار آزمون-بازآزمون با فاصله سه ماه برابر با ۰/۸۶ بود. نتایج تحلیل عاملی تأییدی (GFI=۰/۹۴، RMSEA=۰/۰۵) این پرسشنامه، روایی سازه آن را تأیید کرده است (موسوی، مظاهری و قنبری، ۱۳۹۰).

نسبت به دنیا. پاسخ‌ها بر روی مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای از یک (تقریباً هرگز) تا چهار (تقریباً همیشه) درجه‌بندی می‌شود. همسانی درونی پرسشنامه در پژوهش روهنر و دیگران (۲۰۰۸) ۰/۹۴ بود. همچنین، همبستگی معنادار زیرمقیاس‌ها با مقیاس‌های اعتباریابی شده، شامل مقیاس رفتار خصمانه باس^۲ و دورکی^۳ (۱۹۵۷) ۰/۶۸، مقیاس وابستگی یا کمک‌طلبی لور^۴ و یونیس^۵ (۱۹۷۳) ۰/۷۸، مقیاس حرمت‌خود روزنبرگ^۶ (۱۹۶۵) ۰/۷۵- مقیاس خودکارآمدی شوستروم^۷ (۱۹۶۶) ۰/۵۳- در تأیید روایی همگرایی این پرسشنامه بود (نقل از روهنر و خالق، ۲۰۰۵). در این پژوهش روایی سازه پرسشنامه بر اساس نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، تأیید شد. همچنین، همسانی درونی پرسشنامه ۰/۹۷ و ضریب اعتبار آزمون-بازآزمون با فاصله سه ماه ۰/۸۲ بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها

برمبنای نتایج جدول ۱ اغلب زنان، همسران و والدین خویش را پذیرنده ادراک کرده‌اند. همچنین، میانگین نمره کل سازش‌یافتگی روان‌شناختی (مجموع نمره‌های آزمودنی‌ها در زیرمقیاس‌های سازش‌یافتگی روان‌شناختی) نیز نشان‌دهنده سازش‌یافتگی نسبتاً خوب آزمودنی‌ها بود. براساس این یافته‌ها، بیشترین میانگین در زیرمقیاس‌های سازش‌یافتگی روان‌شناختی مربوط به متغیر وابستگی است.

پرسشنامه پذیرش، طرد و کنترل شریک صمیمی

(روهنر و خالق، ۲۰۰۵): این پرسشنامه به ارزیابی فرد از رابطه خویش با شریک صمیمی یا همسر می‌پردازد. ماده‌ها و زیرمقیاس‌های این پرسشنامه مانند پرسشنامه پذیرش، طرد و کنترل والدینی هستند با این تفاوت که مرجع آن شریک صمیمی فرد است. نتایج بررسی‌های روهنر (۲۰۰۵ الف) روایی و اعتبار بالای پرسشنامه را تأیید کرده‌اند. برای بررسی اعتبار آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ، همسانی درونی ۰/۸۵ به دست آمد. همچنین، اعتبار آزمون با استفاده از روش آزمون-بازآزمون (۰/۹۷) محاسبه شد (روهنر و خالق، ۲۰۰۸). بررسی روایی آزمون با روش تحلیل عاملی اکتشافی در سه فرهنگ امریکایی، هندی و ترکیه‌ای نیز وجود چهار عامل طرد، پذیرش، نادیده گرفتن و طرد نامتمایز را در هر سه فرهنگ تأیید کرد. در این پژوهش نیز ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس پذیرش، طرد و کنترل به ترتیب ۰/۹۷، ۰/۹۸ و ۰/۹۳ به دست آمد. همچنین، اعتبار آزمون-بازآزمون با فاصله سه ماه ۰/۷۶ بود و ساختار عاملی پرسشنامه نیز با تحلیل عاملی تأییدی (RMSEA=۰/۰۶، GFI=۰/۸۸) تأیید شده است (موسوی و دیگران، ۱۳۹۰).

پرسشنامه ارزیابی شخصیت^۱ (فرم بزرگسالان؛

روهنر و خالق، ۲۰۰۵): این پرسشنامه به ارزیابی سازش‌یافتگی روان‌شناختی و کنش‌وری فرد می‌پردازد. این پرسشنامه دارای ۶۳ ماده و هفت زیرمقیاس است (۱) پرخاشگری/رفتار خصمانه، (۲) وابستگی، (۳) حرمت‌خود منفی، (۴) بی‌ثباتی هیجانی، (۵) خودکارآمدی منفی، (۶) عدم پاسخدهی هیجانی و (۷) دیدگاه منفی

جدول ۱

شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	متغیر	M	SD
پذیرش مادر	۶۵/۵۲	۵/۹۵	کنترل همسر	۳۰/۸۱	۱۰/۴۶
طرد مادر	۶۷/۱۸	۱۹/۳۴	نمره کل پذیرش-طرد همسر	۹۵/۶۵	۳۵/۲۸
کنترل مادر	۳۴/۶۰	۷/۲۲	رفتار خصمانه	۱۶/۷۱	۳/۷۳
نمره کل پذیرش-طرد مادر	۱۰۱/۶۵	۲۷/۹۸	وابستگی	۲۴/۶۹	۵/۱۴
پذیرش پدر	۶۱/۴۸	۱۳/۶۱	حرمت‌خود آسیب‌دیده	۱۶/۶۵	۶/۰۵
طرد پدر	۷۱/۴۶	۲۷/۹۶	بی‌ثباتی هیجانی	۲۱/۰۰	۵/۱۶
کنترل پدر	۳۳/۲۱	۸/۳۰	خودکارآمدی آسیب‌دیده	۱۸/۰۵	۵/۱۱
نمره کل پذیرش-طرد پدر	۱۱۰/۰۳	۴۰/۶۳	عدم پاسخدهی هیجانی	۱۷/۳۰	۵/۹۷
پذیرش همسر	۶۸/۹۵	۱۲/۴۵	دیدگاه منفی به دنیا	۱۶/۱۲	۶/۱۳
طرد همسر	۶۴/۶۰	۲۳/۴۳	سازش‌یافتگی روان‌شناختی	۱۳۰/۵۵	۳۰/۰۷

1. Personality Assessment Questionnaire
2. Buss, A. H.
3. Durkee, A.

4. Lorr, M.
5. Youniss, R. P.
6. Rosenberg, M.

7. Shostrome, E. L.

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهند که پذیرش ($r = -0/67$)، طرد ($r = 0/77$) و کنترل ($r = 0/58$) همسر به نسبت پدر و مادر رابطه بیشتری با سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان دارد. در مقایسه پدر و مادر نیز مؤلفه‌های مربوط به پذیرش-طرد پدر رابطه بیشتری با پیامدهای روان‌شناختی دارند. به طور کلی، طرد همسر بیشترین رابطه منفی را با سازش‌یافتگی روان‌شناختی دارد. همچنین، متغیرهای پذیرش-طرد و کنترل همسر با پذیرش-طرد و کنترل پدران، در مقایسه با مادران، رابطه

جدول ۲

ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. پذیرش مادر	-											
۲. طرد مادر	0/81**	-										
۳. کنترل مادر	0/25*	0/36**	-									
۴. نمره کل	0/91**	0/98**	0/34**	-								
۵. پذیرش پدر	0/62**	0/55**	0/07	0/60**	-							
۶. طرد پدر	0/52**	0/51**	0/20*	0/54**	0/90**	-						
۷. کنترل پدر	0/09	0/17	0/71**	0/15	0/28**	0/52**	-					
۸. نمره کل	0/57**	0/53**	0/16	0/57**	0/96**	0/45**	0/61**	-				
۹. پذیرش همسر	0/33**	0/29**	0/20*	0/32**	0/52**	0/47**	0/60**	0/60**	-			
۱۰. طرد همسر	0/38**	0/40**	0/23*	0/41**	0/57**	0/70**	0/53**	0/67**	0/93**	-		
۱۱. کنترل همسر	0/25**	0/21*	0/25**	0/22**	0/44**	0/56**	0/46**	0/53**	0/73**	0/77**	-	
۱۲. نمره کل	0/37**	0/37**	0/22*	0/39**	0/57**	0/68**	0/52**	0/66**	0/97**	0/99**	0/77**	-
۱۳. سازش‌یافتگی	0/47**	0/40**	0/20*	0/44**	0/62**	0/74**	0/44**	0/72**	0/67**	0/77**	0/58**	0/75**

** $P < 0/001$ * $P < 0/05$

سازش‌یافتگی روان‌شناختی را در زنان به طور معنادار تبیین کند. از آنجا که پذیرش والدینی (مادر و پدر)، پذیرش همسر و سازش‌یافتگی روان‌شناختی به طور معناداری با یکدیگر رابطه داشتند، به نظر می‌رسد یادآوری پذیرش والدینی در زنان بتواند رابطه بین پذیرش همسر و سازش‌یافتگی روان‌شناختی را در آنها تعدیل کند. به این منظور هر یک از متغیرهای پذیرش پدر، مادر و همسر به طور مستقل به عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد تحلیل رگرسیون شدند (جدول ۴).

نتایج این تحلیل نشان دادند که پذیرش پدر، مادر و همسر، هرکدام سهم مستقل معناداری در پیش‌بینی سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان دارند.

سپس نقش هر کدام از این متغیرها با کنترل اثر دیگر متغیرها با استفاده از تحلیل رگرسیون چندمتغیری بررسی شد.

جدول ۳

خلاصه تحلیل رگرسیون چندمتغیری برای پذیرش و کنترل والدین و همسر بر سازش‌یافتگی روان‌شناختی

متغیر پیش‌بین	β	R^2	F
پذیرش مادر	0/04	0/64	71/17
پذیرش پدر	0/37		
پذیرش همسر	0/49		
کنترل مادر	0/15	0/37	24/28
کنترل پدر	0/33		
کنترل همسر	0/47		

** $P < 0/001$

نتایج تحلیل‌ها نشان دادند که ترکیب خطی سه متغیر پذیرش مادر، پدر و همسر می‌تواند ۶۴ درصد از تغییرات واریانس سازش‌یافتگی روان‌شناختی را در زنان به طور معنادار تبیین کند. همچنین، ترکیب خطی سه متغیر کنترل همسر، پدر و مادر نیز می‌تواند ۳۷ درصد از تغییرات واریانس

همچنین نتایج نشان دادند که در زمینه کنترل رفتاری نیز نقش همسر ($\beta=0/467, t=5/67$) و پدر ($\beta=0/33, t=2/93$) پس از کنترل اثر دیگر متغیرها معنادار باقی می‌مانند اما نقش مادر ($\beta=0/152, t=1/47$) معنادار نیست. بنابراین، در مورد کنترل رفتاری نیز نقش پدر میانجی رابطه کنترل رفتاری همسر و سازش‌یافتگی روان‌شناختی در زنان بود. البته نتایج نشان دادند که با کنترل اثر پذیرش-طرد والدین و همسر، کنترل رفتاری مادر ($\beta=0/609, t=4/82$) و همسر ($\beta=0/171, t=2/02$) هیچکدام در پیش‌بینی سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان معنادار نبودند و تنها کنترل رفتاری پدر ($\beta=0/143, t=2/02$) نقش معناداری فراتر از پذیرش-طرد پدر در پیش‌بینی سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان دارد.

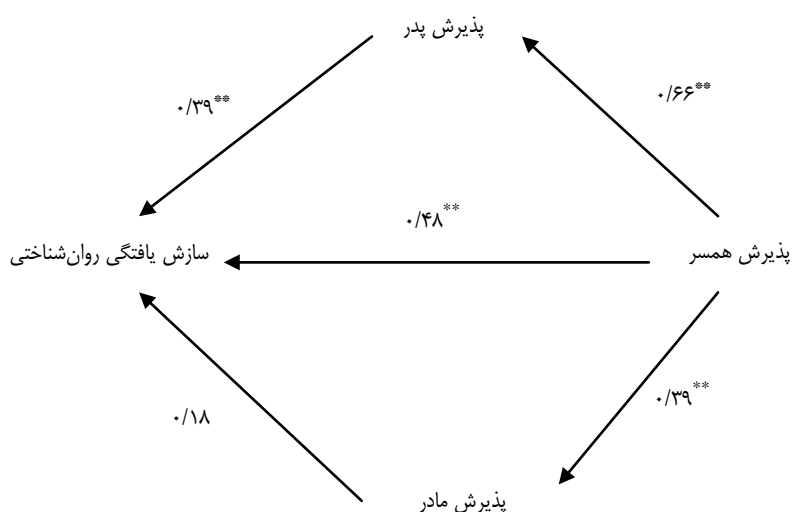
نتایج نشان دادند که پذیرش همسر ($\beta=0/48, t=6/66$) و پدر ($\beta=0/39, t=4/52$) پس از کنترل اثر پذیرش مادر، سهم معناداری در سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان دارد. در صورتی که نقش مادران ($\beta=0/18, t=0/61$) پس از کنترل متغیرهای دیگر معنادار نبود. بنابراین، نتایج مبین آن بود که پذیرش پدر می‌تواند میانجی رابطه پذیرش همسر و سازش‌یافتگی روان‌شناختی در زنان باشد (شکل ۱).

جدول ۴

خلاصه تحلیل رگرسیون برای متغیرهای پذیرش مادر، پدر و همسر بر سازش‌یافتگی روان‌شناختی

متغیر	β	R^2	F
پذیرش مادر	0/44	0/19	28/60
پذیرش پدر	0/71	0/51	123/62
پذیرش همسر	0/75	0/55	149/27

$P < 0/001$



شکل ۱. آثار پذیرش همسر و والدین بر سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان ($P < 0/001$)

و قادر به پیش‌بینی معنادار پیامدهای روان‌شناختی در آنها بود. همچنین، نتایج نشان دادند نقش همسر به عنوان چهره دلبستگی در دوران بزرگسالی و در روابط فعلی نیز پیش‌بینی‌کننده مهم و معناداری برای سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان است. نتایج این پژوهش می‌تواند پاسخی برای این پرسش باشد که «چرا ویژگی‌های روان‌شناختی افرادی که از خانواده‌های پذیرنده و صمیمی هستند مشابه ویژگی‌های افراد دارای خانواده طردکننده است؟». این پرسش

بحث

هدف اصلی پژوهش حاضر، آزمون برخی از مفروضه‌های نظریه پذیرش-طرد والدینی در نمونه‌ای از زنان ایرانی بود. نتایج این پژوهش از مفروضه اصلی این نظریه که بیان می‌کند ادراک پذیرش-طرد چهره‌های دلبستگی در کودکی و بزرگسالی می‌تواند بر سازش‌یافتگی روان‌شناختی افراد اثر گذارد، حمایت کرد. به عبارت دیگر، پذیرش و طرد والدین (پدر و مادر) با سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان رابطه معنادار داشت

که در نظریه پذیرش-طرد والدینی اخیراً مورد توجه قرار گرفته، در فرهنگ‌های مختلف در حال بررسی است و موجب سازماندهی تحقیقات بسیاری در حوزه نقش روابط دلبستگی فعلی در زندگی افراد شده است. روهنر و خالق (۲۰۰۸) نشان دادند این مشکلات معمولاً بدین دلیل بروز می‌کنند که این افراد روابط عاطفی صمیمی و پذیرنده‌ای با چهره دلبستگی فعلی خود - که معمولاً همسر یا شریک زندگی آنهاست - ندارند. نتایج پژوهش حاضر نیز نشان دادند که نقش پذیرش همسر در سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان حتی پس از کنترل اثر پذیرش پدر و مادر معنادار است. این نتیجه فرضیه ارائه‌شده توسط روهنر و خالق (۲۰۰۸) را تأیید می‌کند. برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نیز نشان داده‌اند که رابطه مطلوب با همسر و رضایت زناشویی، همبستگی منفی با رگه نوروژگرای دارد (رازقی، نیکی‌جو، کراسکیان‌موجمباری و ظهراهی‌مسیحی، ۱۳۹۰). همچنین، نتایج نشان دادند که در مقایسه نقش پدر و مادر در زنان، با کنترل اثر متغیرهای دیگر، تنها نقش پذیرش پدر معنادار است. در مورد مؤلفه کنترل رفتاری، نتایج نشان دادند که باز هم نقش کنترل پدر و همسر، و نه مادر، در پیش‌بینی سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان معنادار است. با توجه به اینکه در بررسی‌های پیشین (روهنر و خالق، ۲۰۰۸) نشان داده شده است که کنترل رفتاری بیش از پذیرش و طرد والدینی قادر به پیش‌بینی سازش‌یافتگی روان‌شناختی در زنان نیست، این فرض مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاضر نشان دادند که تنها نقش کنترل رفتاری پدر بیش از پذیرش وی در پیش‌بینی سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان معنادار است. بنابراین، به نظر می‌رسد تأثیر کنترل رفتاری مادر و همسر از طریق مکانیزم پذیرش-طرد در آنها عمل می‌کند. مقایسه نتایج این پژوهش با سایر پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حیطه، نشان‌دهنده همسو بودن یافته‌ها است. برای مثال نتایج پژوهش روهنر و خالق (۲۰۰۸) در ایالات متحده و مطالعه خالق، روهنر و لاکالا (۲۰۰۸) در فنلاند نشان دادند که پذیرش-طرد پدر در پیش‌بینی سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان نقش دارد، اما نقش مادر معنادار نبود. همچنین، نقش پذیرش همسر در نمونه آمریکایی معنادار نبود، در صورتی که در نمونه

فنلاندی، مانند پژوهش حاضر، نقش همسر معنادار بود. پارمار و روهنر (۲۰۰۸) در هند و روهنر، یودین، شامسوناوهر و خالق (۲۰۰۸) در ژاپن نیز نشان دادند که نقش پذیرش-طرد پدر و همسر در پیش‌بینی سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان معنادار است اما نقش مادران معنادار نیست. با این وجود، چیونگ و لی (۲۰۰۸) در کره نشان دادند تنها نقش پذیرش پدر و مادر در پیش‌بینی سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان معنادار بود، در صورتی که نقش همسر معنادار نبود. همچنین، مطالعه‌ای که در مورد افراد پورتوریکویی و کلمبیایی انجام شد (ریپول-نونز و آلوارز، ۲۰۰۸) بر خلاف نتایج این پژوهش نشان داد اثر پذیرش مادران می‌تواند رابطه پذیرش همسر و سازش‌یافتگی روان‌شناختی را در زنان تعدیل کند.

در مورد تأثیر کنترل رفتاری والدین و همسر نیز نتایج با برخی از پژوهش‌ها همسو و با برخی دیگر متفاوت بودند. برای مثال، نتایج پژوهش خالق و دیگران (۲۰۰۸) در فنلاند برخلاف پژوهش حاضر رابطه معناداری را بین کنترل رفتاری والدین و همسر در سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان نشان نداد. در صورتی که در بررسی نمونه آمریکایی توسط روهنر و خالق (۲۰۰۸) بین مؤلفه کنترل رفتاری والدین و همسر با سازش‌یافتگی روان‌شناختی رابطه معنادار به دست آمد، درحالی که در این بررسی، نقش کنترل رفتاری پدر بیش از پذیرش وی در پیش‌بینی پیامدهای روان‌شناختی معنادار بود. روهنر و خالق (۲۰۰۸) معتقدند که در جامعه‌ای که استقلال عمل و اتکا بر خود، ارزش محسوب می‌شود، کنترل رفتاری والدین یا همسر می‌تواند آزارنده باشد اما از سوی دیگر، والدین یا همسران کنترل‌کننده معمولاً در برابر نافرمانی فرزندان یا همسران خود عصبانی می‌شوند و پرخاشگری در رابطه، یکی از منابع معمول ادراک طرد است. بنابراین، تأثیر این کنترل تحت تأثیر ادراک طرد از جانب والدین یا همسر قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد بررسی دقیق این فرض نیاز به پژوهش‌های بیشتری در حوزه نظام‌های اجتماعی-فرهنگی با توجه به ارزش‌گذاری مؤلفه اطاعت دارد.

تفاوت نقش مادران و پدران با توجه به جنس، چیزی است که تا قبل از پژوهش‌های اخیر در این نظریه پیش‌بینی نشده

- مسیحی، آ. (۱۳۹۰). رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت با رضایت زناشویی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۲۷، ۲۶۹-۲۷۸.
- سپهری، ص. و مظاهری، م. (۱۳۸۸). الگوهای ارتباطی خانواده و متغیرهای شخصیتی در دانشجویان. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۲۲، ۱۵۰۱-۱۴۱.
- موسوی، پ.، مظاهری، ع. و قنبری، س. (۱۳۹۰). ارزیابی نظریه پذیرش و طرد والدینی در ایران: پذیرش همسر، پذیرش والدین در کودکی و سازگاری روان‌شناختی در میان بزرگسالان ایرانی در روابط دلبستگی فعلی. گزارش پژوهشی، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- پاکدامن، ش.، سیدموسوی، پ.، و قنبری، س. (۱۳۸۹). کیفیت دلبستگی به والدین و نشانه‌های درونی‌سازی و برونی‌سازی شده در نوجوانان: بررسی مقایسه‌ای نقش پدران و مادران. *فصلنامه پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۶ (۳۳)، ۳۹-۱۵.
- Cassidy, J. (2000). Adult romantic attachments: A developmental perspective on individual differences. *Review of General Psychology*, 4, 111-131.
- Chung, Y., & Lee, J. (2008). Intimate partner acceptance, remembered parental acceptance in childhood, and psychological adjustment among Korean college students in ongoing intimate relationships. *Cross-Cultural Research*, 42 (1), 77-86.
- Fraley, R. C., & Shaver, P. R. (2000). Adult romantic attachment: Theoretical developments, emerging controversies, and unanswered questions. *Review of General Psychology*, 4, 132-154.
- Ishii-Kuntz, M. (1999). Children's affection toward fathers: A comparison between Japan and the United States. *International Journal of Japanese Sociology*, 8, 35-50.
- Khaleque, A. (2001). *Parental acceptance-rejection, psychological adjustment, and intimate adult*

بود. روهنر و خالق (۲۰۰۸) معتقدند، نقش پذیرش پدران در سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان بیش از مادران است. انبوهی از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که نقش رفتارهای والدینی و پذیرش و طرد پدر در کودکی اثر بیشتری بر سازش‌یافتگی و سلامت روانی فرزندان دختر دارد. نتایج برخی از پژوهش‌ها در ایران نیز نشان می‌دهند که نقش رفتارهای والدینی پدر و کیفیت دلبستگی دختران به پدران در مقایسه با مادران، تأثیر بیشتری بر مشکلات رفتاری و هیجانی آنها در نوجوانی دارد (پاکدامن، موسوی و قنبری، ۱۳۸۹). مورای و کیمورا (۲۰۰۶) معتقدند که این تفاوت بدین علت است که پدران معمولاً زمان بیشتری را با دختران خویش می‌گذرانند و رابطه پدر-دختر صمیمی‌تر از رابطه مادر-دختر است. همچنین، ایشی-کونتز (۱۹۹۹) بر این باورند که دختران عاطفه بیشتری نسبت به پدران خود دارند و به همین دلیل بیشتر تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند. نتایج این پژوهش نشان دادند که رابطه والدین با دختران تأثیر بسزایی در سازش‌یافتگی روان‌شناختی آنها در بزرگسالی دارد، به ویژه نقش پدران در این زمینه بارزتر است. همچنین، نتایج آشکار کردند که همسران نقش بسیار مهمی در سازش‌یافتگی روان‌شناختی دارند، به طوری که این تأثیر حتی بیش از نقش والدین است. در واقع، این نتایج نشان دادند که پذیرش و طرد همسران بیشترین نقش را در سازش‌یافتگی روان‌شناختی زنان دارد. از آنجا که نمونه این پژوهش محدود به زنان بود، این پرسش همچنان باقی است که آیا نقش پذیرش-طرد و کنترل رفتاری والدین و همسر در مردان نیز مشابه زنان است و یا تأثیر این مؤلفه‌ها در مردان متفاوت است؟ همچنین، مشخص نیست که مردان از کدام منبع بیشتر تأثیر می‌پذیرند. بنابراین، تفاوت زنان و مردان در تأثیرپذیری از ارتباط خویش با والدین و همسران‌شان نیاز به پژوهش‌های آتی دارد. همچنین، بررسی‌های بعدی می‌توانند مکانیزم تأثیرگذاری متفاوت نقش پذیرش همسران و والدین در زنان و مردان را روشن سازند.

منابع

رازقی، ن.، نیکی‌جو، م.، کراسکیان‌موجمباری، آ. و ظهرابی

- manual. In R. P. Rohner & A. Khaleque (Eds.), *Handbook for the study of parental acceptance and rejection* (4th ed., pp. 227_250). Storrs, CT: Rohner Research Publications.
- Rohner, R. P. (2005b).** Parental Acceptance-Rejection/Control Questionnaire (PARQ/Control): Test manual. In R. P. Rohner & A. Khaleque (Eds.), *Handbook for the study of parental acceptance and rejection* (4th ed., pp. 137_186). Storrs, CT: Rohner Research Publications.
- Rohner, R. P. (2008).** Introduction to parental acceptance-rejection theory studies of intimate adult relationships. *Cros-Cultural Research*, 42, 5_12.
- Rohner, R. P., & Khaleque, A. (2010).** Testing Central Postulates of Parental Acceptance-Rejection Theory (PARTeory): A meta-analysis of cross cultural studies. *Journal of Family Theory And Review*, 2 (1), 73_87.
- Rohner, R. P., & Khaleque, A. (2005).** *Personality Assessment Questionnaire (PAQ): Test manual.* In R. P. Rohner & A. Khaleque (Eds.), *Handbook for the study of parental acceptance and rejection* (4th ed., pp. 187_226). Storrs, CT: Rohner Research Publications.
- Rohner, R. P., & Khaleque, A. (2008).** Relations between perceived partner and parental acceptance. In J. K. Quinn and I. G. Zambini (Eds.), *Family relations: 21st century issues and challenges* (pp. 187_197). New York: Nova Science Publishers, Inc.
- Rohner, R. P., Khaleque, A., & Cournoyer, D. E. (2007).** *Introduction to parental acceptance / rejection theory, methods, evidence, and implications.* Retrieved September 10, 2007, from University of Connecticut, *relationships*. Unpublished master thesis, University of Connecticut.
- Khaleque, A., Rohner, R. P., & Laukkala, H. (2008).** Intimate partner acceptance, parental acceptance, behavioral control, and psychological adjustment among Finnish adults in ongoing attachment relationships. *Cross-Cultural Research*, 42(1), 35_45.
- Murray, C., & Kimura, N. (2006).** Families in Japan. In B. B. Ingoldsby & S. D. Smith (Eds.), *Families in global and multicultural perspective* (pp.291_310). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Parmar, P., & Rohner, R. P. (2008).** Relations among spouse acceptance, remembered parental acceptance in childhood, and psychological adjustment among married adults in India. *Cross-Cultural Research*, 42 (1), 57_66.
- Rholes, W. S., Simpson, J. A., Tran, S., Martin, A. M., & Friedman, M. (2007).** Attachment and information-seeking in romantic relationships. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 33, 422-438.
- Ripoll-Núñez, K., & Alvarez, C. (2008).** Perceived intimate partner acceptance, remembered parental acceptance, and psychological adjustment among Colombian and Puerto Rican youths and adults. *Cross-Cultural Research*, 42 (1), 23_34.
- Rohner, R. P. (1986).** *The warmth dimension: Foundations of parental acceptance-rejection theory.* Storrs, CT: Rohner Research Publications.
- Rohner, R. P. (2004).** The parental acceptance-rejection syndrome: Universal correlates of perceived rejection. *American Psychologist*, 59, 827_840.
- Rohner, R. P. (2005a).** Intimate partner Acceptance-Rejection/Control Questionnaire (IPAR/CQ): Test

parental acceptance in childhood, and psychological adjustment among Japanese adults. *Cross-Cultural Research*, 42 (1), 87_97.

Shwalb, D. W., Nakazawa, J., Yamamoto, T., & Hyun, J. H. (2004). Fathering in Japanese, Chinese, and Korean cultures: A review of research and literature. In M. E. Lamb (Ed.), *The role of the father in child development* (pp. 146_181). New York: John Wiley.

Center for the Study of Parental Acceptance and Rejection Website: www.cspar.uconn.edu.

Rohner, R. P., Khaleque, A., & Cournoyer, D. E. (2005). Introduction to parental acceptance-rejection theory, methods, evidence and implications. *Ethos*, 33, 229_334.

Rohner, R. P., Uddin, M. K., Shamsunaher, M., & Khaleque, A. (2008). Intimate partner acceptance,